



و آن را خریداری کنند.

محمد جواد ادامه می دهد: من با انگیزه بالا کارهای ثبت اختراع را انجام دادم. بارها برای داوری رفتم و چون نمونه داخلی و خارجی نداشت، خیلی برویش سخت گیری شد. پس از تایید استادان دانشگاه فردوسی، اختراعم توسط داوران پارک علم و فناوری بررسی شد و در نهایت شهر یورماه سال گذشته، ثبت نهایی آن انجام شد. او که اختراعش ثبت بین المللی هم شده است، توضیح می دهد: این وسیله سه نوع محافظت فرکانسی، سطح ولتاژ و قطع برق را انجام می دهد و برای تهیه آن، تحقیقات و پژوهش های زیادی انجام دادم به گونه ای که اکنون یک هزار و ۶۰۰ برگ نوشته دارم.

اختراع او را به دنبال دارد.

فرهیخته جوان محله ما آزمایشات فراوانی در این زمینه انجام می دهد، بارها شکست می خورد، مقالات زیادی می خواند و خطاهای بسیاری را مرتکب می شود اما در نهایت می تواند وسیله ای کوچک شبیه سه راهی بسازد که وقتی وسایل برقی را به آن متصل کنیم، در زمان خاموشی دیگر هیچ برقی مصرف نمی شود.

اومی گوید: وسایل برقی مانند رایانه، تلویزیون، دستگاه دیجیتال، پرینتر، اسکنر و... حتی در زمان خاموشی، وقتی که به پریز متصل باشند، برق مصرف می کنند و البته از عمر دستگاه هم کاسته می شود اما با استفاده از این وسیله عمر دستگاه سه تا چهار برابر افزایش می یابد. از طرفی چون برق، داخل دستگاه نیست احتمال آتش سوزی آن به صفر می رسد.

پیگیری های محمد جواد برای ثبت اختراعش از سال ۹۰ شروع می شود. شش ماه زمان می گذارد تا پروپزال طرحش آماده شده و آن را به تهران می فرستد. پس از تایید مراجع علمی در تهران، آن را برای بررسی و داوری به دانشگاه فردوسی معرفی می کند.

## مشکلات ارائه دستگاهی که نمونه داخلی و خارجی نداشت

این مخترع جوان به سختی با استاد مربوطه در دانشگاه فردوسی قرار ملاقات می گذارد و استاد می گوید: «چیزی که تومی گویی امکان پذیر نیست» محمد جواد که اختراعش را در منزل امتحان کرده بود، آن را در مقابل استاد می گذارد تا نحوه عملکرد آن را ببیند اما این مخترع جوان، فراموش کرده بود که سیگنال برق در هر نقطه شهر متفاوت است بنابراین دستگاهی که در منزل درست کار می کرده در حضور استاد، خطای دهد و استاد هم که از اول مدعی بوده این کار شدنی نیست، اعتمادش کاملاً از او سلب می شود و دیگر با او همکاری نمی کند.

اومی گوید: این دستگاه کاملاً جدید بود، هیچ نمونه داخلی و خارجی نداشت و استادان هم بعضاً اطلاعات تخصصی کافی نداشتند، از طرفی آزمون و خطای من زیاد بود اما وقتی ایده اش را با رئیس تحقیقات و توزیع برق خراسان رضوی در میان گذاشتم خیلی استقبال کرد. اتفاق جالبی که افتاد متوجه شدم او شاگرد همان استادی بوده که طرح مراد کرد. همین شد که با کمک او نظر استاد را جلب کردم. مسئولان شرکت برق هم قول دادند در صورت تایید اختراع، آن را در تمام ادارات شهر اجرا کرده و در قبوض برق هم تبلیغ کنند تا مردم هم با این وسیله آشنا شده

## احداث کارگاه و آغاز به تولید

محمد جواد در سال ۹۴ در حالی که کارهای ثبت اختراعش را انجام می داد با حمایت پدر و شراکت دو نفر از دوستانش، کارگاهی کوچک دایر می کند و شروع به تولید اختراعش می کند. او می گوید: ابتدا قرار بود هزار عدد از این وسیله تولید شود اما پس از تولید ۴۰۰ عدد، به خاطر نداشتن بازار فروش، کار تولید متوقف شد.

## جای خالی تبلیغات

محمد جواد می گوید روی این وسیله باید تبلیغات صورت گیرد تا مردم با آن آشنا شده و از آن استفاده کنند اما هزینه تبلیغات زیاد است. از طرفی من، و شرکایم همه سرمایه مان را صرف تولید کردیم. به گفته او اگر شرکت برق به وعده خود یعنی تبلیغ روی قبوض عمل می کرد، کمک بزرگی به آن ها می شد. مخترع جوان محله تربیت معتقد است اگر قرار باشد وسیله ای که اختراع کرده در تمام سطح کشور استفاده شود، به مدت چهار تا پنج سال برای هزار تا هزار و ۵۰۰ نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشتغال زایی می شود. تعریف نشدن استاندارد برای این وسیله اختراع شده، دیگر مشکل مخترع جوان محله ما است که در باره آن می گوید: چون وسیله تولید شده هیچ نمونه داخلی و خارجی ندارد، استاندارد دی برایش تعریف نشده و همین موضوع، کار را برای فروش سخت تر می کند. حتی روزهای اول شرکای او که به بازار یابی می روند به خاطر استقبال نشدن از این وسیله سرخورده می شوند. با همه این ها محمد جواد انگیزه اش را از دست نداده و می گوید: به وسیله ای که اختراع کردم ایمان دارم و مطمئنم آینده روشنی دارد.

## از ماشین برقی تا توربین بادی

او تاکنون پهباد، شارژر لبتاب در خودرو، ماشین برقی، دماسنج و بیسیم خودروهای حمل جوجه راهم ساخته است و امید دارد بتواند روزی آن ها را به تولید انبوه و به دست مردم برساند تا کار آن ها راحت شود.

«کفگیر آموزش رزم شبانه» نیز از دیگر اختراعات محمد جواد است که در کلاس های آموزشی موقعیت یابی شب برای نظامی ها کار برد دارد. همین طور توربین بادی که البته هنوز ثبت نشده است اما محمد جواد قصد دارد آن را به ثبت صنعتی برساند. این جوان مبتکر در مورد توربین بادی که ساخته توضیح می دهد: این توربین با استفاده از انرژی باد، برق تولید می کند و در اطراف استان خراسان مانند سرخس که بادهای تندی می وزد می تواند کاربرد زیادی داشته باشد. از طرفی تمام قطعات آن داخلی است و در مقایسه با توربین های آمریکایی که هر کدام بیش از ۱۵ میلیون تومان است و در ساعت، ۴۰۰ وات برق تولید می کند، توربین دست ساز من در صورت تولید انبوه، حدود سه میلیون تومان هزینه در بر خواهد داشت و هزار و ۴۰۰ وات برق تولید می کند.

اومی افزاید: تا جایی که اطلاع دارم دانشجویان هوا و خورشید دانشگاه فردوسی در حال ساخت توربین بادی هستند و در آن از قطعات وابسته به خارج استفاده کرده اند ولی توربین من کاملاً داخلی است.

## کلایه هایی از جنس بی توجهی مسئولان

او که حدود ۱۱ میلیون تومان برای تهیه و ثبت اختراعش هزینه کرده، مانند بسیاری از دیگر مخترعان کشور، از کم توجهی ها و حمایت نکردن مسئولان گله هایی دارد و می گوید: شنیده بودم که مسئولان هیچ حمایتی نمی کنند و خودم در عمل دیدم که آن ها ابتدا خیلی استقبال کردند و وعده وعید دادند اما با وجود اینکه اختراع من در راستای فرمایشات مقام معظم رهبری، هم کاملاً داخلی است، هم موجب اشتغال زایی و صرفه جویی در مصرف برق می شود، در عمل هیچ حمایتی از آن نشد و حتی مسئولان شرکت برق که خیلی از آن استقبال کرده بودند، به وعده هایشان عمل نکردند. او اضافه می کند: تولید هر عدد از این وسیله، برای خود من ۴۵ هزار تومان هزینه در بر دارد اما اگر به صورت انبوه تولید شود، تا ۵۰ درصد، هزینه های تولید آن کاهش می یابد، از طرفی چه در منازل و چه در ادارات، اگر از این وسیله استفاده شود، ظرف شش ماه، از محل صرفه جویی که در مصرف برق دارد، هزینه ای که برای خرید آن شده، جبران می شود و بعد از آن هم منفعت ناشی از مصرف کمتر را به دنبال دارد.

## عشق به ماندن در کشور

محمد جواد می گوید پیش از این به من گفته بودند «اگر سرمایه داری، وسیله ات را تولید کن و به فروش برسان و سودش را ببر چرا که ثبت اختراع در ایران هیچ فایده ای ندارد». حالا می بینم واقعیت همین است. حتی به من گفتند که با توجه به رزومه و سوابق که دارم، در استرالیا شرایط کاری خوبی برایم مهیا می شود اما من در خانواده ای سنتی و مذهبی بزرگ شدم و ضمن پابندی به خانواده، به کشورم نیز علاقه دارم و دوست دارم همین جانتیجه زحماتم را ببینم.

